دریچه ۱

ترک فعل مدیران

علیرضا سروری‌نژاد، کارشناس حوضه آبخیزداری است و ریاست اداره آبخیزداری و حفاظت خاک اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان را هم بر عهده دارد. او که به‌صورت مجازی در میزگرد روزنامه همشهری حاضر شده، مشکلات سیستان را ناشی از سوءمدیریت می‌داند: «سیستان در ۲دهه اخیر با بحران مدیریت و ترک‌فعل مواجه بوده است. هرچه در ۲دهه جلو آمدیم، سوءمدیریت‌ها به نقطه‌ای رسید که سد کمال‌خان افتتاح شد.» سروری‌نژاد اما برای توضیح سوءمدیریت مدیران به پیشینه بهره‌برداری از سد کمال‌خان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد گرچه این سد در سال‌های اخیر بهره‌برداری شده، اما از سال ۱۳۴۵ در دست ساخت بوده و بسیاری از دست‌اندرکاران درباره آن اطلاع داشته‌اند: «سوءمدیریت اصلی آنجا اتفاق افتاد که با وجود اطلاع از ساخت چنین سدی، به موازات، پروژه‌های کلانی در منطقه سیستان کلید خورد که به مردم امید واهی می‌داد. پروژه‌هایی با صرف اعتبار زیاد که به جز امید واهی، اتلاف وقت و انرژی و سرمایه مردم چیزی بیش نبود.»

رئیس اداره آبخیزداری و حفاظت خاک اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان تأکید می‌کند باید به این ترک‌فعل‌ها که موجب شده است ۲۰۳روستا از جمع ۱۰۳۲ روستای سیستان خالی از سکنه شود، رسیدگی کرد: «با انسداد کامل رودخانه هیرمند اشتغال ۱۰۶۰ درصد مردم منطقه سیستان از بین رفت که روی ۱۵۰هزار هکتار اراضی کشاورزی کار می‌کردند و این اراضی حالا لم‌یزرع شده‌اند. مردمی که اشتغال ندارند، می‌توانند زندگی کنند؟ می‌توانند تنفس کنند؟ آنها حتی برای خوردن و آشامیدن در مضیقه کامل هستند. دیگر دنبال چه می‌گردیم؟ این کارشناس در ادامه توضیح می‌دهد که تالاب هامون این روزها با ۳۸۲هزار هکتار به علاوه اراضی کشاورزی لم‌یزرع شده به ۳۲هزار هکتار کانون ریزگرد تبدیل شده که آرام آرام همه مردم، تاسیسات و بناهای موجود را در خود دفن می‌کند. با تمام این اوصاف ۴۰۰هزار نفر هنوز اینجا زندگی می‌کنند. نمی‌دانم از چه واژه‌ای برای دفاع از این مظلومان می‌توانیم استفاده کنیم، اما اگر به جای مسئولان می‌بودم همه آنهایی را که در سال‌های اخیر ترک فعل کرده‌اند بازخواست می‌کردم.»

دریچه ۲

معادلات خاورمیانه و چالش سیستان

جلیل سرگزی، کارشناس منابع آب است که به‌صورت مجازی در میزگرد روزنامه همشهری حاضر شده. او پیش از هر چیز درباره چالش‌های سیستان به تعریف نادرست پایتخت از مشکلات این منطقه اشاره می‌کند: «یکی از موضوعاتی که با آن مواجه هستیم این است که افراد خارج از استان عمدتا می‌گویند مشکل آب سیستان‌وبلوچستان و ۲منطقه سیستان‌وبلوچستان برایشان تفکیک نشده است. باید این را در نظر بگیریم که سیستان از نظر مسائل آبی از بلوچستان جداست، زیرا تا امروز از این نظر ۱۰۰درصد به افغانستان وابسته بوده درحالی که بلوچستان به‌دلیل بارندگی، شرایط اقلیمی و پدیده موسون منابع آبی درون خود استان دارد.»

موضوع دیگری که سرگزی درباره آن صحبت می‌کند عملکرد مسئولان است: «به اشتباه گفته می‌شود سد کمال‌خان طی چند سال اخیر ایجاد شده درحالی که سال‌ها قبل و در دولت‌های گذشته افغانستان تصمیم به ساخت این سد گرفته شد، اما به‌دلیل جنگ‌های داخلی افغانستان اجرای آن به تعویق افتاد و همزمان با شروع طرح ۳۶هزار هکتاری دشت سیستان افتتاح شد. ما از یک طرف مطلع بودیم که در آن طرف مرز سدی در حال افتتاح است، اما در همان زمان ۵۸۰میلیون دلار برای طرح ۳۶هزار هکتاری آبرسانی به زمین‌های کشاورزی هزینه کردیم که عملا دور ریز اعتبار بود.» نکته سوم درباره چالش‌های سیستان از نگاه این کارشناس آب، بادهای ۱۲۰ روزه است که مدت‌شان به بیش از ۲۰۰روز افزایش یافته و به‌دلیل خشکسالی و فرصت‌سوزی درحالی که می‌توانست یک نعمت باشد به یک چالش مهم تبدیل شده است. او تأکید می‌کند: «آخرین بقایای آب در پیرامون کوه‌خواجه در سیستان سال ۱۳۷۷ خشک شد و اگر ورودی آب به منطقه داشتیم کم بود. در واقع زنگ خطر بحران امروز ۳۵ سال پیش به صدا درآمد. اگر تفاهمنامه محکمی داشتیم شاید می‌توانستیم حقابه را پیگیری کنیم که به‌نظر می‌رسد نداشتیم و اگر هم داشتیم به تنهایی کافی نبوده است. همین الان یک دولت یا یک حاکمیت در افغانستان نداریم که بتوانیم با آن مذاکره کنیم.»

او معتقد است مسائل سیستان به مسائل سیاسی خاورمیانه گره خورده است و باید ریشه آن را در معادلات خاورمیانه دید، زیرا به‌نظر می‌رسد طالبان به‌عنوان یک گروه نیابتی مجری یک‌سری سیاست‌های دیکته شده از سوی قدرت‌هاست و تنها نیست.

بحران «سیستان» را باور کنیم

میزگرد همشهری درباره چالش‌های مردم در شمال سیستان و بلوچستان

میزگرد — گروه ایرانشهر

بیش از ۲دهه خشکسالی، نداشتن حقابه هیرمند، خشکی دریاچه هامون و سوءمدیریت، شرایطی را در سیستان رقم‌زده که بیش از ۱۰۰هزار نفر از جمعیت ۵۰۰هزار نفری آن طی این سال‌ها مهاجرت کرده‌اند. بیش از ۱۰هزار خانوار فقط در یک سال گذشته وطن خود را ترک کرده‌اند و حالا آمارها نشان می‌دهد از جمع ۱۰۳۲روستای سیستان، ۲۰۳روستا خالی از سکنه هستند. حالا تالاب هامون با ۳۸۲هزار هکتار مساحت در کنار ۱۵۰هزار هکتار اراضی کشاورزی که به‌دلیل نبود آب امکان کشت ندارند به کانون ریزگرد تبدیل شده‌اند و به مرور تاسیسات و بناهای موجود زیر شن و گردوغبار دفن می‌شوند. رنج مردم سیستان، رنج امروز و دیروز نیست و آنطور که محلی‌ها می‌گویند روند آن، از سال ۱۳۷۷ آغاز شده‌است. حالا اما به اذعان فعالان اجتماعی، مشکلات منطقه فراتر از بحران رفته و اگر همین امروز کاری نکنیم، فردا حتما دیر خواهد بود. گروه ایرانشهر همشهری به همین مناسبت، میزگردی را با حضور فعالان اجتماعی، کارشناسان و نیروهای جهادی منطقه برگزار کرد تا به نسخه‌ای فوری و اضطراری برای جلوگیری از پیشروی بحران در کوتاه‌ترین زمان برسیم؛ نسخه‌ای که هم قابل اجراست و هم می‌تواند از مهاجرت بیشتر افراد جلوگیری کند تا بلکه مسئولان آستین همت بالا بزنند و گام‌های عملی برای حل مشکلات مردم منطقه بردارند. در ادامه نظرات حاضران در این میزگرد درباره عامل وضعیت کنونی سیستان و در صفحه ۲۰، راه‌حل‌های پیشنهادی‌شان را می‌خوانید.

کمیساران بی‌اثر

علیرضا جاودان که سابقه فرمانداری در چابهار، خاش و سیستان (که حالا به ۵شهرستان تقسیم شده است) را در کارنامه دارد و مدتی هم سرپرست شورکنسولگری ایران در جلال آباد افغانستان بوده، برای آگاهی از بحران فعلی سیستان، گریزی به گذشته می‌زند

۱ گذشته هیرمند

آنچه جاودان در صحبت‌هایش برمی‌شمرد، پیشینه‌ای است که حال و روز امروز را برای رود هیرمند و دریاچه هامون رقم زده: «رودخانه هیرمند به‌طول ۱۱۵۰کیلومتر از ارتفاعات هندوکش و کوه‌های بابایغما در افغانستان در غرب کابل سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود از ارتفاعات مختلف به آب آن افزوده می‌شود که سیلاب بسیار سهمگینی می‌آفریند. افغانستان در گذشته هیچ توانی برای نگهداری سیلاب نداشت و به همین دلیل، آب این مسیر رودخانه‌ها را تخریب و حتی روستاها و گاهی اوقات شهرها را تهدید می‌کرد و طبیعتا تمام تلاش این بود که آب به دریاچه هامون سرریز شود. سیلاب از گذشته تا امروز، تا حدودی در منطقه اروزگان کنترل و در منطقه دهراوود قبل از سد کجکی مهار و بعد با مسیرهای مشخص شده وارد هیرمند می‌شود. درواقع کنترل این حجم آب قبل از کجکی و دهراوود انجام می‌شد که در معاهده سال ۱۳۵۱ بین ایران و افغانستان همین ایستگاه برای تعیین میزان آب درنظر گرفته شد. قبل از اینکه بند کمال‌خان ایجاد شود، آب جاری شده در مسیر، رودخانه‌های زیادی را سیراب می‌کرد و بعد به سمت مرز ایران می‌آمد و از محل فعلی بند کمال‌خان ۷۰کیلومتر را طی می‌کرد تا به منطقه چریکه در مرز وارد شود. از این منطقه رود به ۲شاخه تقسیم می‌شود؛ یریان که رودخانه مرزی ایران و افغانستان است و ادامه هیرمند که به هامون می‌ریزد.»

آنطور که مدیرعامل مؤسسه اجتماعی- فرهنگی «سجاده» سیستانی‌های مقیم مرکز، عنوان می‌کند: «به خاطر سیلاب‌هایی که گفته شد افغانستان توان مهارشان را نداشت، در سال‌های بعد از انقلاب برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت که این آب وارد مخزن‌های طبیعی یا همان چاه‌نیمه‌ها شود: در این مدت چاه‌نیمه ۱، ۲ و ۳، ۷۰۰میلیون مترمکعب ظرفیت ایجاد و در ادامه چاه‌نیمه چهارم هم ایجاد شد، اما دیگر آبی نبود که به بهره‌برداری برسد. در همه این سال‌ها، آب چاه‌نیمه‌ها با شبکه‌های آبیاری به بخش‌های مختلف سیستان می‌رسید؛ تصفیه‌خانه‌ای در منطقه چاه‌نیمه حدود ۷۵۰ روستا را در سیستان آبرسانی می‌کرد و به‌دلیل تبخیر در مسیر رودخانه، طرح آبیاری ۳۶هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی هم آب را از منطقه به زمین‌های کشاورزی می‌رساند.»

۲ همه‌چیز برای کشاورزی

به گفته جاودان که این روزها حضور فعالی هم در جلسه‌های دیپلماسی آب دانشگاه تهران دارد «مرور سابقه‌ها نشان می‌دهد همه دغدغه ما در سیستان کشاورزی و آب بوده است و به دیگر جاذبه‌های آن فکر نشده است. سیستان در گذشته قطب کشاورزی سیستان‌وبلوچستان و بهتر است بگوییم انبار غله ایران محسوب می‌شده و به همین دلیل، همه سرمایه‌گذاری در این منطقه طی سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی متوجه رونق کشاورزی بوده است که روزبه‌روز ما را بیشتر به آب وابسته کرد؛ آبی که حیات آن به افغانستان وصل است و درواقع می‌توان گفت شاهرگ حیاتی سیستان با رودخانه هیرمند معنا پیدا می‌کند. درواقع گویا همیشه قرار بوده است انبار غله ایران دوباره احیا شود؛ غافل از اینکه ممکن است یک زمانی دچار کم‌آبی یا قطع آب شویم.»

او تأکید می‌کند گرچه مسئله سیستان بدون آب از چند سال قبل مطرح شد، اما دیر و درست در زمانی بود که سال‌ها از دست‌وپنجه نرم کردن اهالی با خشکسالی می‌گذشت که امروز به نقطه اوج رسیده است: «مشکل امروز سیستان این است که مردم منبع درآمدی ندارند. طبیعت سیستان، طبیعت سختی است که در سال توفان‌های موسمی دارد که حالا همه رسوب‌های دریاچه خشک شده هامون را با ریگ همراه دارد و زندگی را برای مردم سخت و گاهی غیرممکن کرده است. طبق آنچه از زبان مسئولان مطرح می‌شود فقط در یک سال گذشته ۱۰هزار خانوار از این منطقه مهاجرت کرده‌اند.»

۳ وزارت نیرو پاسخگو باشد

مرور پیشینه هامون و هیرمند یک بخش از صحبت‌های علیرضا جاودان است. او مهم‌ترین چالشی را که موجب شده امروز سیستان با بحران مواجه شود، عملکرد کمیساران آب می‌داند: «در معاهده ۱۳۵۱ برای پیگیری مصوبه‌ها کمیسارانی مشخص شده. تا سال ۱۳۸۳ کمیساران آب شکل نگرفت و نخستین جلسه آن ۳۲سال بعد از معاهده تشکیل شد. از سال ۱۳۸۳ تاکنون ۲۶جلسه کمیساران آب تشکیل شده که بررسی آنها نشان می‌دهد ایران برخورد قوی‌ای نداشته است.»

از نگاه او، دلیل بی‌نتیجه بودن جلسه‌های کمیساران آب را می‌توان حضور نداشتن افراد بومی در جلسه‌ها و آشنا نبودن وزارت نیرو به‌عنوان مسئول با مسائل و مشکلات مردم و نبود نظارت بر عملکرد آن دانست: «پیش‌بینی نشده چطور می‌توان مشکلات را به مقامات بین‌المللی منتقل کرد، بلکه به‌دلیل عملکرد ضعیف ما افغانستان مدعی شده بود چرا ایران در مرز مو تو پمپ گذاشته و ایران تعهد داد این پمپ‌ها را برداارد. درواقع، حتی عقب‌نشینی هم کرده‌ایم. حالا ما هیچ‌کس در وزارت نیرو پاسخگو نیست که چرا این کمیسارن نتیجه‌ای نداشته است؟ هیچ‌کس پاسخ نمی‌دهد چقدر پیشرفت داشته‌ایم و اگر نداشته‌ایم، چرا؟»

جاودان به نکته دیگری هم اشاره می‌کند؛ اینکه وزارت نیرو به‌عنوان مسئول تامین آب مردم در همه مناطق ایران چرا فکری برای سیستان نکرده است؟ او ادامه می‌دهد: «سیستان یک منطقه سوق‌الجیشی و به‌گفته مقام معظم رهبری تنگه احد است. اگر مرز ژابل خالی از سکنه شود تا دروازه ورامین تهران با دشت صافی روبه‌رو هستیم که قابل کنترل نخواهد بود، اما این منطقه در حال تخلیه است. حالا وقت آن است کسی که کوتاهی کرده پاسخگو باشد.»

یک کارشناس: در معاهده ۱۳۵۱ برای پیگیری مصوبه‌ها کمیسارانی مشخص شدند. تا سال ۱۳۸۳ کمیساران آب شکل نگرفت و نخستین جلسه آن ۳۲ سال بعد از معاهده تشکیل شد. از سال ۱۳۸۳ تاکنون ۲۶جلسه کمیساران آب تشکیل شده که بررسی آنها نشان می‌دهد ایران برخورد قوی‌ای نداشته است

کمیسار آب کیست؟

طبق معاهده ۱۳۵۱ ایران و افغانستان هر یک از طرفین یک نفر کمیسار و یک نفر معاون کمیسار از بین اتباع خود تعیین خواهند کرد تا در اجرای معاهده از جانب دولت خود نمایندگی کنند. حوزه صلاحیت و وظایف این کمیسارها در پروتکل شماره یک ضمیمه معاهده است. از منظر قانونی و حقوقی، کمیسار آب ایران در موضوع مسائل هیرمند معاون وزیر نیروست و وزارت نیرو مسئول و پاسخگوی این مسئله است.

صدایی که شنیده نمی‌شود

بخشی از مشکلات سیستان نتیجه مسائل جغرافیایی اما بیشتر به دلیل سوء مدیریت است

حسین سرگزی در حوزه منابع طبیعی با گرایش بیابان‌زدایی تحصیل کرده است و مسئولیت‌هایی در حوزه بیابان‌زدایی داشته و حالا معاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان است. او ترجیح می‌دهد برای رسیدن به یک چشم‌انداز درباره بحران سیستان و راه‌حل برای برون‌رفت از آن، مشکلات را دسته‌بندی و به ۴بخش بیوفیزیکی و انسانی تقسیم کند؛ هرچند مشکلات انسانی خود به چند دسته اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدیریتی تقسیم می‌شوند.

بخش اول

چالش جغرافیا

چالش‌های بیوفیزیکی سیستان آنطور که سرگزی عنوان می‌کند با دوری جغرافیایی و انزوا در جنوب‌شرقی شروع می‌شود: «خشکی اقلیم و بارندگی کم موجب شده نتوانیم به منابع بارشی اتکا کنیم.»

بادهای شدید و مداوم، وابستگی به منابع آبی خارج از کشور، خشکسالی دوره‌ای که در سال‌های اخیر با تغییر اقلیم و گرمایش جهانی همراه شده، محدودیت خاک به‌دلیل جنس شور، قلیایی و بدون سنگفرش بودن آن چالش‌های دیگر بیوفیزیکی است که سرگزی اشاره می‌کند و معتقد است موجب شده همه عوامل طبیعی از گرما و کم‌آبی تا گرد و خاک و توفان دست به‌دست هم دهند. این کارشناس، وسعت سرزمینی منطقه سیستان را ۱۱درصد کل سیستان‌وبلوچستان می‌داند که سهم کمی است: «جمعیت ۴۰۰هزار نفری سیستان حتی در همین مساحت هم پراکنده نیستند و در یک وسعت ۲۰۰هزار هکتاری ساکن شده‌اند و به همین دلیل تراکم جمعیتی منطقه هم بسیار زیاد است.» سیستان و بلوچستان آنطور که هواشناسی هم اعلام می‌کند اغلب به‌عنوان کم‌بارش‌ترین استان کشور شناخته می‌شود.

حسین سرگزی: سؤال هر روز ما این است که آیا قرار هست کاری برای آنجا انجام شود؟ آیا شرایط تغییر خواهد کرد؟ یا ما فراموش شده‌ایم؟

بخش دوم

چالش انسانی

بخشی از مشکلات امروز سیستان از نگاه کارشناسان ناشی از عوامل انسانی است که حسین سرگزی، معاون اداره مطالعات و برنامه‌ریزی منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان تلاش می‌کند در این میزگرد آنها را دسته‌بندی کند.

۱ اقتصاد و اتکا به کشاورزی

حسین سرگزی با بیان اینکه فقر فراگیر در منطقه در نتیجه اتکای صرف مردم به منابع آب و خاک موجب شده شاهد تبعات دیگری باشیم، گفت: «اگر ریشه مشکلات اقتصادی را فقر بدانیم سرمایه‌گذاری اندک دولت، ماندگاری کم پول در منطقه و اجرای پروژه‌ها توسط پیمانکارانی که سود و نفع مالی را دوباره از منطقه خارج کرده‌اند و ضعف سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از دلایلی است که به این فقر دامن زده است.» از نگاه او، ضعف زیرساخت‌ها عامل اقتصادی دیگری است که به شرایط موجود دامن زده است: «اعتبارهای اختصاص یافته به استان صرف رفاه نمی‌شود، بلکه صرف زیرساخت‌هایی می‌شود که سال‌ها قبل باید تامین می‌شد؛ برای مثال، سیستان هنوز گاز و راه‌آهن و بزرگراه ندارد.» به اعتقاد سرگزی، مشکلات اقتصادی نشان می‌دهد در همه سال‌های گذشته تخم‌مرغ‌هایمان را در سبد کشاورزی گذاشته‌ایم و با خود تحریمی از ظرفیت مرز استفاده نکرده‌ایم.

۲ مسائل اجتماعی و ناامیدی مردم

گروه دیگر چالش‌های سیستان مسائل اجتماعی است که مهم‌ترین آن را می‌توان ناامیدی مردم از بهبود دانست. این، نکته‌ای است که معاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان به آن اشاره می‌کند: «به نیروهای بومی اعتماد و به آنها اجازه خودباوری داده نمی‌شود. سیستان با پیشینه تاریخی و فرهنگی، با عنوان قطب شیعه شرق کشور و تقدیم بیشترین شهید استان که هنوز هم با شهادت مرزبانان ادامه دارد، نشان داده است برای ایران و انقلاب اسلامی کم نگذاشته و هیچ وقت دنبال تجزیه‌طلبی نبوده است. حکومت بیش از اینها به سیستان بدهکار است و می‌تواند به آن اعتماد کند. مردم مطالبه زیادی ندارند. حقشان را می‌خواهند.» او به یک سؤال مهم مردم سیستان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «سؤال هر روز ما این است که آیا قرار هست کاری برای آنجا انجام شود؟ آیا شرایط تغییر خواهد کرد یا ما فراموش شده‌ایم؟»

۳ سیاسی و صدای شنیده نشده

حسین سرگزی چالش‌های سیاسی را هم بخشی از مشکلات سیستان عنوان می‌کند: چالش‌هایی که به نوعی با چالش‌های اجتماعی و ناامیدی مردم گره خورده است: «حقابه هیرمند و هامون هیچ‌وقت جدی گرفته نشده است. اصلا بر فرض که معاهده پیشین اشتباه است. چرا معاهده جدید امضا نکردیم؟ ما که همیشه به حکومت باور و اعتماد داشتیم و همین حالا هم به‌عنوان مرز دار هر هفته از بچه‌هایمان شهید تقدیم می‌کنیم. کی قدرت به نفع و سود ما می‌شود؟ کی قرار است به فرزندان و تحصیلکرده‌های ما اعتماد شود؟ فرزندان سیستان در کدام جلسه کمیساران آب حضور داشتند؟» او این صحبت‌های خود را با اشاره به فرمانداران ۵شهرستان سیستان پی می‌گیرد که حتی قدرت تصمیم‌گیری درباره تعطیلی مدارس و اداره‌ها را در ایام توفان شن ندارند: «ما در این شرایط یک آدم قدرتمند می‌خواهیم که هم قدرت تصمیم‌گیری مستقل از مرکز استان را در شرایط بحرانی داشته باشد و هم بزرگان منطقه به حرفش اعتماد داشته باشند. از سوی دیگر، کسی را در مرکز کشور نداریم که انعکاس صدای کنار گوش تصمیم‌سازان باشد.»

۴ مشکلات مدیریتی و تصمیم‌های غیرکارشناسی

آنطور که از صحبت کارشناسان برمی‌آید بخش زیادی از مشکلات سیستانی‌ها ناشی از عدم‌کارشناسی مستقل است؛ نکته‌ای که معاون اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری سیستان و بلوچستان بر آن صحه می‌گذارد: «تا امروز می‌توانم بگویم همین جمع میزگرد تاکنون در سیستان جمع نشده‌اند و شاید در کل این ۲دهه چالش ۴جلسه کارشناسی درباره مسائل خشکسالی و توفان‌های شن برگزار شده باشد. این یعنی، مسائل کارشناسی مطرح نمی‌شود و سوءمدیریت در همه بخش‌ها از آب گرفته تا کشاورزی و محیط‌زیست وجود دارد.» سرگزی ادامه می‌دهد: «در همین روزهایی که ما گرم‌ترین شهر جهان شناخته شده‌ایم و توفان مردم را اسیر کرده، استان مدیرکل محیط‌زیست ندارد یا ساعت ۴بعدازظهر به بعد در بیمارستان زابل پزشک نیست. جلوی چشم صدها کارشناس مخالف پروژه‌های جدیدی برای آبرسانی آغاز می‌شود که تبعات بدی برای منطقه دارد.»

مطالبه‌گری تحسین برانگیز

«محمد غفوری» از نیروهای جهادی است که در رفت‌وآمد به سیستان با دغدغه‌های اهالی آشناست؛ فردی که معتقد است امید داشتن آن هم در زمان بحران بزرگ سیستان سخت است: «خداقوت می‌گویم به فعالان اجتماعی و همه افرادی که در این میزگرد حاضر هستند. خیلی است که با چنین محرانی مواجه باشیم. باز هم امید داشته باشیم و برای آن تلاش کنیم. این پیگیری فعالان اجتماعی و اهتمام‌شان تحسین‌برانگیز است.»

او با بیان اینکه سیستانی «مظلوم و مطالبه‌گری برایشان خیلی سخت است» می‌گوید: «افراد با طیف‌های مختلف در سیستان پیگیر مشکلات هستند و نقطه اشتراک همه‌شان عزت و اصالت سیستان است.»

۱۰۰ هزار نفر

بیش از ۱۰۰هزار نفر از جمعیت ۵۰۰هزار نفری سیستان طی ۲دهه خشکسالی مهاجرت کرده‌اند

۱۰ هزار خانوار

طبق آمار شرکت‌های حمل‌ونقل بیش از ۱۰هزار خانوار در یک سال گذشته وطن خود را ترک کرده‌اند

۲۰۳ روستا

از جمع ۱۰۳۲روستای سیستان، ۲۰۳روستا خالی از سکنه شده‌اند و جمعیت باقیمانده هم در فکر مهاجرت هستند

دریچه ۳

منشأ داخلی ریزگردها

فرشید عابدی، مدیرمسئول پایگاه خبری «دیار عیار» است؛ فردی که در کنار کار رسانه‌ای به‌عنوان فعال اجتماعی در حال تلاش برای انعکاس صدای سیستان است. او هم در میزگرد روزنامه همشهری حضور مجازی دارد و می‌گوید: «ما گویی آینده‌ای را برای نسل آینده سیستان منصور نیستیم. وقتی از مشکل آب سیستان صحبت می‌کنیم همه آب آشامیدنی به ذهنشان می‌رسد؛ درحالی که در سال‌های گذشته آب آشامیدنی داشتیم، اما باز هم مهاجرت اتفاق افتاد و به همین دلیل، مسئله هیرمند باید برای همه توضیح داده شود که آشامیدنی نیست و مسائل محیط‌زیستی هم تأثیرگذار است.»

او با بیان اینکه ریزگردهای سیستان ۲عامل داخلی و خارجی دارند، توضیح می‌دهد که «منشأ بین‌المللی ریزگرد بسدازی افغانستان است. اما منشأ داخلی آن ساخت کانال ۲۸کیلومتری وزارت نیرو در تونل بادی هامون صابری برای انتقال آب آشامیدنی است که حالا در زمان خشکسالی کانال به جای انتقال آب به کانون گردوغبار تبدیل شده است.»

این فعال رسانه‌ای به جنگ آبی منطقه اشاره می‌کند که ایران یکی از اهداف آن است و می‌گوید: «هر دهه ۸۰متر باز بود و اقتصاد مرزی رونق و افغانستان به همین دلیل نیاز آبی کمتری برای کشت خشخاش داشت. حالا اما کاری که افغانستان با ایران می‌کند طبق مصوبه اخیر سازمان ملل نقض حقوق بشر است. آیا ما از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی برای رفع این مشکل بهره بردیایم؟»

او با اشاره به طرح‌های شکست‌خورده در حوزه آب و همچنین هدررفت سالانه ۳۰۰میلیون مترمکعب آب با تبخیر در تابستان‌ها تصریح می‌کند که مقامات دولتی حتی حالا و در شرایط فوق‌بحرانی منطقه هم به تنها برنامه‌ای در این‌باره ندارند که از ظرفیت بومی‌ها هم استفاده نمی‌کنند: «هر هفته‌های اخیر ما با تنش آبی، گرمای سوزان، قطعی برق و ریزگرد مواجه بودیم، عده‌ای راهی بیمارستان و عده‌ای در خانه حبس شدند، اما در همین زمان هیچ روزی تعطیل نشد. آیا مقامات سیستان و بلوچستان درکی از شرایط بحران دارند؟ در همین زمان کرمان با گرمای پایین‌تر از زابل تعطیل شد یا مرکزی با ریزگردهای کمتر، اما در سیستان همه‌چیز روال عادی خود را طی کرد؛ گویی هیچ اتفاقی نیفتاده است.» او معتقد است مسئله آب سیستان را باید فراجناحی و فرای دولت‌ها دید: «تمدن سیستان در کنار هامون و هیرمند شکل گرفته و نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم. دولت یازدهم معاهده‌ای به‌جایی در این‌باره امضا کرد. اما هیچ تضمینی برای حقابه نگرفت و دولت سیزدهم هم هشدار بدون ضمانت اجرایی می‌دهد و دقیقا ۲روز بعد از هشدار رئیس‌جمهوری ما، افغانستان ۴تونل را در سد بخش آباد را افتتاح می‌کند. اینها چه معنایی دارد؟ براساس آخرین سرشماری ۴۰۰هزار نفر ساکن در سیستان داریم. آیا برای ماندگاری‌شان برنامه‌ریزی کرده‌ایم؟»

دریچه ۴

انتخاب فرمانداران بی اختیار

«علی ملایی»، از فعالان اجتماعی سیستانی و در این حوزه دغدغه‌مند است. او در کنار سایر هم‌استانی‌های خود به‌صورت مجازی در میزگرد روزنامه همشهری حاضر می‌شود تا از نگاه خود، چالش‌های این منطقه را مطرح کند. اولین نکته‌ای که ملایی مطرح می‌کند، انتخاب فرماندارانی ناآگاه و بدون پیشینه اجرایی و دانشی است که اختیارات کافی هم در ساختار سیستمی استان ندارند: «حتی فرماندار ویژه زابل که فرمانداری ویژه است، اختیار کافی برای تصمیم‌گیری درباره بحران سیستان ندارد. این فرمانداری بدون اختیار کافی چطور می‌تواند دستگاه‌ها را کنار هم قرار دهد؟

چطور می‌تواند در این‌باره تصمیم‌گیری کند؟ نتیجه این می‌شود که با اطلاعات نادرست فقط تصمیم‌گیران پایتخت را گیج می‌کند و نتیجه این می‌شود که نسخه‌های بی‌اثر را شاهد هستیم. دوستی می‌گفت اعتباری که به سیستان اختصاص می‌یابد، شبیه یخ است تا به منطقه برسد آب شده است.»

ملایی گلایه‌های دیگری هم دارد: «مردم سیستان گویی حساب نمی‌شوند و به هیچ عنوان حرف مردم و بومی‌ها و کارشناسی‌شان شنیده نمی‌شود. من درخواست می‌کنم رسانه‌های کشور اینجا بیایند و ببینند ۴۰۰هزار نفر چطور زندگی می‌کنند. گفتن فایده ندارد و باید بیایند و از نزدیک لمس کنند که مردم این استان چگونه زندگی می‌کنند؟ استاندار می‌گوید به جنوب استان بروید و خرما و موز بکارید. پس آینده سیستان چه می‌شود؟» این فعال اجتماعی در پایان می‌گوید: «وقتی منطقه به این حال و روز می‌افتاد مسئولان و سیستانی‌های دور از سیستان کجا بودند؟»